



@VerityIran



ContactUs@VerityIran.com

اکتبر ۲۰۱۴

اقتصاد ایران در مقطعی حساس

با وجود این که وضعیت اقتصادی ظاهراً بهبود یافته نتیجه مذاکرات هسته ای ماه آینده بسیار مسیر آینده ایران مهم است. در صورتی که پیشرفت حاصل شود وضعیت اقتصادی نیز دوباره بهبود خواهد یافت. اما بر هم خوردن مذاکرات باعث بدتر شدن وضعیت اقتصادی خواهد شد. کاهش ۲۰ درصدی قیمت نفت اهمیت این دور از مذاکرات را بسیار افزایش داده است.

مذاکرات باید تا کمتر از یک ماه دیگر به پایان برسد و این بار بیش از هر زمان دیگری ایران بر سر یک دو راهی اقتصادی قرار دارد. اگر در ماه آینده پیشرفتی که تجار در ایران انتظار آن را دارند حاصل شود آنگاه وضعیت اقتصادی ایران به احتمال زیاد به سرعت بهبود خواهد یافت. اقتصاددانان ما پیشبینی کرده اند که در ظرف ۶ تا ۱۲ ماه سیل سرمایه گذاری غربی به ایران سرازیر شود و اعتماد از دست رفته دوباره بازگردد و سرمایه گذاری در بخش دولتی نیز از سر گرفته شود. منابع ما در ایران عقیده دارند که شرکتهای چند ملیتی و سرمایه گذاران بین المللی سعی داشته اند تا زمینه را برای برداشته شدن تحریمها آماده کنند. در آن صورت ایران شاهد قدرت گرفتن سریع طلا خواهد بود و این باعث کاهش فشار تورم در داخل کشور خواهد شد. برداشته شدن تحریمهای نفتی و مالی درآمدهای حاصل از صادرات را افزایش و تراز مخارج دولتی را بسیار بهبود خواهد داد. باز شدن دوباره مرزها به روی شرکای غربی باعث خواهد شد تا احتیاج مبرم صنایع تولیدی به تکنولوژی و تخصص برطرف شود و میادین نفتی و گازی فرسوده شده ایران دوباره جان بگیرند.

اما در صورتی که مذاکرات بر هم بخورند ما پیشبینی می کنیم که شوک ایجاد شده به سرعت باعث از دست رفتن اعتماد به اقتصاد ایران شود و پیشرفت حاصل شده نیز به پس رفت تبدیل شود. اقتصاددانان ما پیشبینی می کنند که در این سناریو فرار سرمایه افزایش یابد و نرخ تبادل ارز نیز به شدت کاهش یابد چرا که ذخایر بانک مرکزی قادر نیستند که از کسی حفاظت کنند. سرمایه گذاری متوقف خواهد شد و موج سنگینی از وامهای بدون بازده باعث خواهد شد که شکنندگی نظام بانکی آشکار شود و این فاجعه ای برای نظام مالی خواهد بود. اقتصاد ایران بزرگ و دارای منابع بسیاری است و بنا بر این زمینگیر نخواهد شد. اما در کوتاه مدت وضعیت بسیار متلاطم خواهد بود و آینده اکثر تجار و خانوارها نیز بسیار بد خواهد بود. ایران با چالشهای ساختاری بسیاری در بخشهای مختلف سرمایه گذاری روبرو می باشد مانند کمبود آب و میادین فرسوده نفتی و خطوط ارتباطاتی فرسوده و غیره و این بخشها قادر به جذب سرمایه گذاری چندانی نخواهند بود.

در این میان اخیراً قیمت نفت به شدت کاهش یافت و این مسئله باعث شد تا معامله بر سر مسئله هسته ای با اهمیت تر شود. قیمت نفت خام برنت به تقریباً بشکه ای ۸۶ دلار رسیده که کمترین قیمت آن از سال ۲۰۱۰ می باشد (نمودارهای ۳ و ۴ را ببینید). اگر این وضعیت ادامه یابد این کاهش ۲۰ درصدی قیمت (نفت) باعث خواهد شد تا درآمدهای ایران از طریق صادرات تقریباً یک میلیارد دلار در ماه کاهش یابد. نظر به مشکلاتی که ایران برای دسترسی یافتن به درآمدهای خود از بابت صادرات نفت با آن روبرو می باشد تاثیر این وضعیت بر صادرات نفت خام به سرعت آشکار نخواهد شد. اما به هر صورت تاثیر آن بر درآمدهای ایران از میعاناتی مانند نفت پالایش شده و محصولات پتروشیمی مشخص خواهد شد. فروش نفت خام در بازار سیاه نیز به همین میزان کاهش یافته.

این مسئله باعث بروز دو مشکل خواهد شد. اولین مسئله کاهش بیشتر ارز خارجی در اقتصاد ایران می باشد و این میزان نقدینگی ارز خارجی در نظام بانکداری را کاهش خواهد داد و قیمت واردات نیز افزایش



@VerityIran



ContactUs@VerityIran.com

خواهد یافت. مسئله دوم شکاف ایجاد شده در حسابهای بخش دولتی می باشد. محاسبات صندوق بین المللی پول حاکی از آن است که درآمدهای نفتی باید دو پنجم تمامی درآمدهای بخش دولتی در ایران را تشکیل می داد. مسئولین ادعا کرده اند که برای برقراری توازن در حسابها به بشکه ای ۱۰۰ دلار نیاز بود. اما محاسبات ما حاکی از آن است که برای برقراری توازن قیمت (هر بشکه نفت) باید ۱۳۰ دلار باشد چرا که محاسبه دولت بر اساس فروش ۱,۵ میلیون بشکه در روز بود و این محاسبه بیش از اندازه خوشبینانه بود. اظهارات معاون رئیس جمهور نوبخت حاکی از آن بود که سقف مخارج دولتی امسال کاهش خواهد یافت چرا که درآمدهای محاسبه شده برای نیمه اول سال ۱۳۹۳ قابل دست یافتن نبود. با توجه به این فشارها دولت احتمالا باید تصمیمات بسیار دردناکی در مورد مخارجش اتخاذ کند و ممکن است به صندوق توسعه ملی و یا حتی بانک مرکزی متوسل شود تا کمبود بودجه خود را جبران کند. اگر دولت به چنین روشی متوسل شود آنگاه آثار این تصمیم بر وضعیت نقدینگی و پیشرفت حاصل شده در برخورد با تورم در سال گذشته را در مخاطره قرار خواهد داد.

بدشانشی دولت ایران این است که نظریه ای که بر آن اجماع وجود دارد این است که کاهش قیمت (نفت) به دلیل وضعیت فعلی می باشد و بنا بر این قیمتها تا مدتی پائین خواهند ماند. بازار با کاهش تقاضا در سطح جهانی مواجه شده و تولید نفت خام در بالاترین سطح خود در ۲ سال گذشته قرار دارد و این به دلیل افزایش تولید در لیبی و عراق و نیجریه و آنگولا و عربستان سعودی می باشد و در ضمن باید افزایش شدید تولید نفت شیل در ایالات متحده آمریکا را نیز در نظر گرفت (نمودار پنج را ببینید). اگر به چارچوب مذاکرات هسته ای توجه کنیم می بینیم که کاهش قیمت نفت باعث خواهد شد تا ایران برای بهبود وضعیت خود با دشواری مواجه شود چرا که اجرای برنامه افزایش تولید باعث کاهش بیشتر قیمتها خواهد شد. اگر معامله ای بر سر تحریمها صورت نگیرد وضعیت ایران از این هم بدتر خواهد شد. تندروها در نظام ایران می خواهند خودشان را متقاعد کنند که مشتریهای آنها به ویژه در آسیا دیگر حاضر به قبول کاهش بیشتر واردات نفت خام خود از ایران نخواهند بود. اما میزان عرضه نفت به بازار جهانی بیش از تقاضا می باشد و بنا بر این درخواستهای ایالات متحده آمریکا آسانتر قابل قبول خواهند بود. چنین وضعیتی همچنین به قانونگذاران ایالات متحده آمریکا اجازه می دهد تا افزایش تحریمهای نفتی را برای مردم مناطق مختلف کشور خود توجیه کنند و مردم نیز کمتر نگران تاثیر چنین وضعیتی بر قیمت نفت در بازارهای جهانی خواهند بود. اما هر چه تولید نفت در ایران کمتر شود خطر آسیب دیدن میادین نفتی قدیمی ایران نیز بیشتر خواهد شد.

در ماه گذشته بانک مرکزی ایران موفق شد اخبار ظاهرا خوبی در مورد اقتصاد ایران منتشر کند. ادعاهای بانک مرکزی ایران در مورد افزایش سالانه ۴,۶ درصدی تولید ناخالص داخلی در سه ماهه اول سال ۱۳۹۳ باعث تعجب زدگی اکثر مردم ایران شد. اما اقتصاددانان ما عقیده دارند که بدون در نظر گرفتن برخی از عوامل مهم این اعلامیه باعث گمراهی مردم خواهد شد. اولاً آمار مربوط به رشد اقتصادی در سه ماهه اول ۱۳۹۳ یک رقم، سال به سال، در مقایسه با همین زمان در سال گذشته می باشد که یکی از بدترین دوران سه ماهه از زمان جنگ ایران و عراق بود. نمودار ششم نشان می دهد تا چه اندازه وضعیت اقتصادی با ارقام واقعی تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۹ فاصله دارد. ثانیاً آنچه اهمیت دارد این پرسش است که منبع این رشد اقتصادی کجاست و فقط آنگاه می توان فرضیه های مختلف در مورد ادامه رشد اقتصادی را مورد به نظر می رسد که صادرات باعث افزایش رشد اقتصادی شده اند - گزارشها حاکی از آن. بررسی قرار داد است که فروش نفت و فرآورده های پتروشیمی باعث افزایش ۸ درصدی آن شده اند - و کاهش تورم و امید به رسیدن به توافقی بر سر مسئله هسته ای تحت نظر روحانی باعث افزایش بیشتر رشد اقتصادی خواهد شد. کاملاً واضح است که تمامی این عوامل وابسته به نتیجه مذاکرات هسته ای می باشند و در صورتی که مذاکرات با شکست مواجه شوند وضعیت نیز به شدت دگرگون خواهد شد. حتی افزایش ارزش خارجی نقد و باز شدن کانالهای صادراتی به دلیل قرارداد موقت با گروه ۵+۱ در ۲۴ نوامبر به پایان خواهند رسید و هیچگونه تضمینی وجود ندارد که این وضعیت ادامه یابد. آمار بانک مرکزی ایران خیر خوبی برای ایران محسوب می شود اما به ما چیزی در مورد وضعیت آینده اقتصاد ایران بعد از پایان مهلت مذاکرات هسته ای در ۲۴ نوامبر نمی گویند.

موفقیتهای اخیر صنعت کهن گردشگری در ایران باعث ایجاد بارقه ای از امید شد. گزارشها حاکی از آن است که تعداد اتباع کشورهای خارجی که از ایران دیدار نموده اند ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال قبل افزایش یافت. وزیر گردشگری گفت که ۴,۵ میلیون توریست به ایران آمدند و درآمد ایران ۶ میلیارد دلار بود. صنعت فولاد در ایران نیز موفقیتهای مشابهی داشته و وضعیت آن اخیراً بسیار بهتر شده است و حدود ۶ میلیارد دلار در طول سالی که در ژوئیه به پایان رسید کالا صادر نمود. این دو نمونه از موفقیتها در دو صنعت راهبردی می باشند اما موفقیت هر دو آنها به نتیجه مذاکرات در ماه آینده بستگی دارد. حتی اگر آنها با محدودیتهای ایجاد شده توسط تحریمها بهتر از دیگران مقابله کنند نمی توانند خود را جایگزین منابع سوخت فوسیلی نمایند که اقتصاد آسیب پذیر ایران به آنها وابسته است. مجموع درآمدهای این دو بخش فقط حدود یک پنجم درآمدهای محاسبه شده برای صنایع نفت و گاز می باشد.

مرکز آمار ایران هم اخبار خوبی در مورد بازار کار منتشر کرد و ادعا نمود که با توجه به تعریف آن



از مفهوم بیکاری نرخ بیکاری از ۱۰,۷ درصد به ۹,۵ درصد کاهش یافته. پارامترهای نامشخص ایران برای سنجیدن میزان اشتغال به خوبی شناخته شده اند. اما این ماه بانک جهانی شک و شبهه ایجاد کرد چرا که اظهار داشت که آمار غیر رسمی نشان می دهند که نرخ بیکاری ۲۰ درصد می باشد. مشاور رئیس جمهور روحانی در امور اقتصادی نیلی بسیار محتاطانه عمل نمود و سعی داشت تا انتظارات مردم در مورد بازار کار را بیش از حد افزایش ندهد. وی هشدار داد که افزایش اشتغال زایی کمتر از افزایش رشد ناخالص داخلی بوده و اظهار داشت که قوانین کار مهمترین موانع بر سر راه اشتغال زایی می باشند. مطمئناً اخبار خوبی که از ادارات مرکز آمار ایران دریافت شده اند باعث خوشنودی مردم نشده اند و هنوز خانوارهای ایرانی نمی توانند آثار این اخبار خوب را در زندگی روزمره خود تجربه کنند.

Fig 1. Iran's two GDP growth trajectories

% GDP growth, v-o-v, two scenario forecasts.

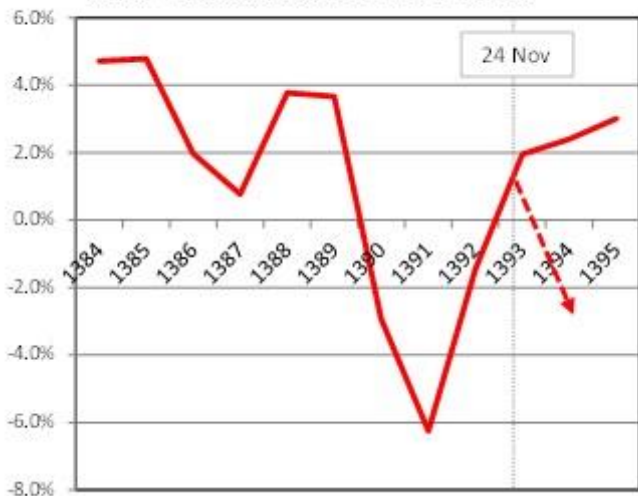


Fig 2. Iran's two inflation trajectories

CPI inflation, y-o-y, two scenario forecasts

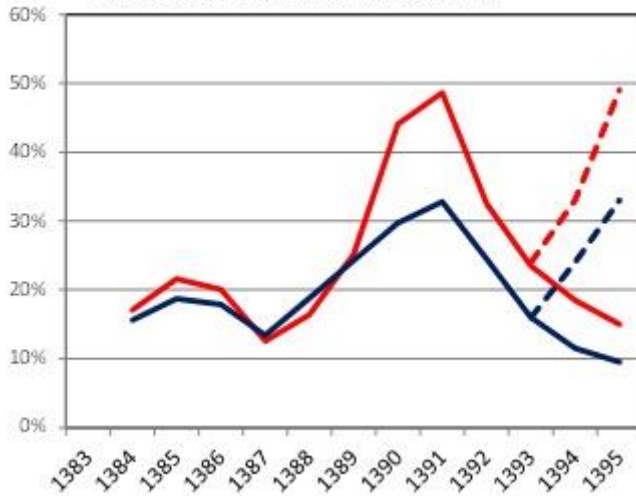


Fig 3. Benchmark oil prices, quarterly average

Brent crude (blue), WTI (red), dotted line is forecast

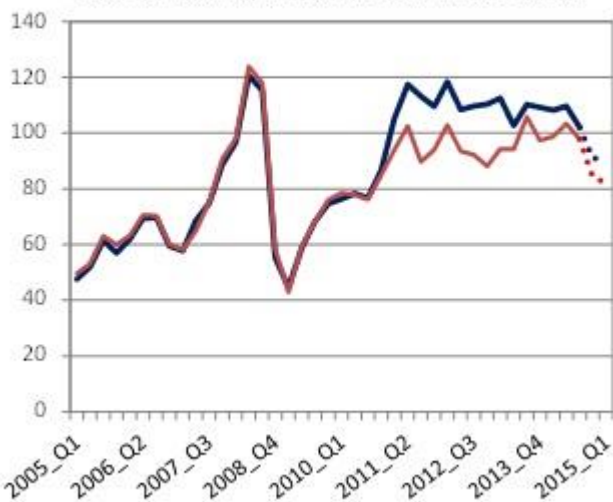


Fig 4. Brent crude oil price

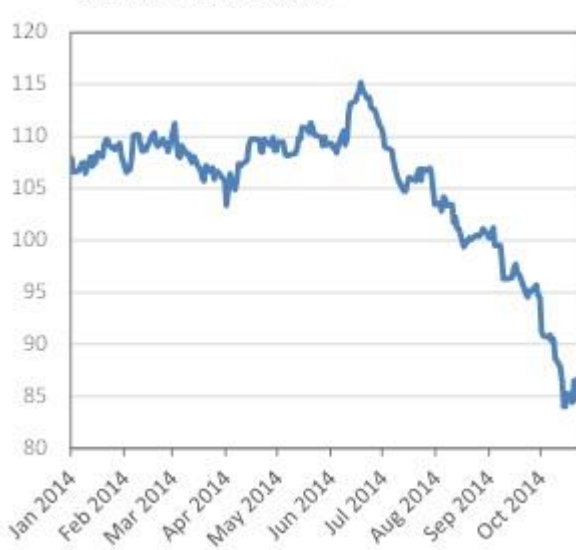


Fig 5. Global Oil Demand and Supply
Million barrels per day

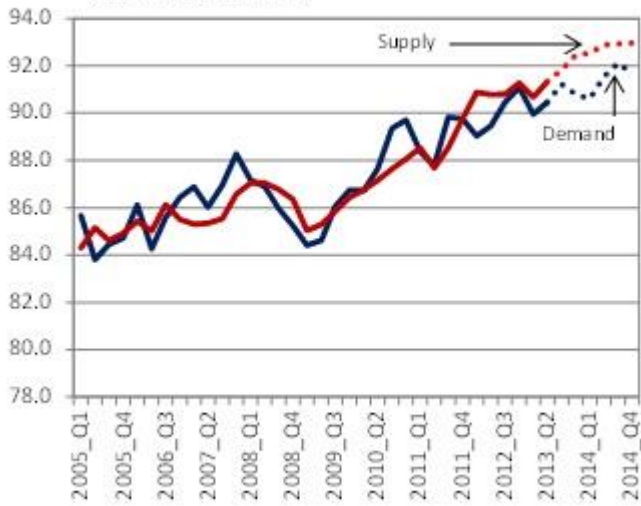


Fig 6. Iranian real GDP, Indexed 1383=100

